



شماره ثبت: ۲۵۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم فهرست مطالب

۲.....	استثنائات غیبت.....
۲.....	سومین استثناء: غیبت در مقام تظلم برای دیگران.....
۲.....	مرور گذشته.....
۲.....	نتیجه گیری.....
۲.....	اشکال حضرت امام (ره) در دلالت آیه.....
۳.....	جواب اشکال حضرت امام (ره).....
۳.....	مبحث نهم: شمول آیه در نبود مخاطب.....
۴.....	نکته.....
۴.....	مبحث دهم: حکم «أَلَا مَنْ ظَلَمَ».....
۴.....	مبحث یازدهم: روایتی ذیل آیه.....



استثنائات غیبت

سومین استثنا: غیبت در مقام تظلم برای دیگران

مرور گذشته

سومین آیه‌ای که به آن استشهاد کردیم آیه سوره نساء بود.

«لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِیماً»^۱

تاکنون سه دلیل را بیان کردیم. اگر این آیات را بپذیریم، چیزی از آیات استفاده می‌شود که فراتر از مقابله به مثل است. مقابله به مثل یعنی همان کاری که انجام داده است، می‌توانیم همان کار را در مقابل وی انجام داد. البته در صورتی که حق الناس محض باشد. در اینجا می‌گوییم که مظلوم عیوب و مظالم ظالم را برشمارد. این نوعی استثنای غیبت است و فراتر از مقابله به مثل است. سومین آیه، آیه ۱۴۸ سوره نساء است.

نتیجه گیری

آیه هم در طرف مستثنی و مستثنی منه، دلالت تامی دارد و منطبق بر بحث ماست. بنا بر اتصال متصل یا منقطع، دلالت آیه را پذیرفتیم. بنا بر احتمالات زیاد، دلالت آیه تام بود.

اشکال حضرت امام (ره) در دلالت آیه

بحث دیگر که در آیه وجود دارد، این است که اگر از همه عقبات عبور کنیم و تمام اشکالات را در دلالت آیه بر جواز غیبت ظالم پاسخ بدهیم. اشکال دیگری باقی می‌ماند.

در صورتی آیه دلالت تام دارد، که در طرف مستثنی ما اطلاقی را بپذیریم. «مظلوم می‌تواند جهر بسوء من القول بکند». اشکالی که باقی می‌ماند این است که تأکید آیه بر مستثنی منه است. در طرف مستثنی تأکیدی وجود ندارد و نمی‌توانیم بگوییم که مظلوم در هر

۱ سوره نساء، آیه ۱۴۸.



شماره ثبت: ۲۵۲۱

حالی می‌تواند در مقام انتصار خود، غیبت کند. این آیه فی‌الجمله دلالتی دارد، اما اطلاقی ندارد. قدر متیقن آیه، طرح دعوا نزد حاکم و قاضی است.

جواب اشکال حضرت امام (ره)

ما در جملات شرطیه، مفهوم را می‌گیریم. مفهوم جمله شرطیه در کلام وجود ندارد. بعد می‌گوییم جمله شرطیه هم در منطوق وجود دارد و هم در مفهوم مخالف آن را استفاده می‌کنیم. بعد می‌گوییم جمله شرط از منطوق و مفهوم مخالف در مقام بیان است. در استثنا این دلالت بسیار قوی است. مثلاً در جمله اکرم العالم الا الفاسق دو مفهوم دارد. یک مفهوم می‌گوید عالم را اکرام کن و دیگری اینکه فاسق را اکرام نکن. خود حضرت امام (ره) در قاعده لاتعداد که از قواعد مهم صلاة است می‌فرماید این لاتعداد هم در مقام بیان مستثنی منه است و هم در مقام بیان مستثنی است. از دو جهت نیز اطلاقی دارد. در نتیجه این اشکال، تام نیست. لذا در این جهت نیز می‌توانیم بگوییم در آیه اطلاقی وجود دارد.

مبحث نهم: شمول آیه در نبود مخاطب

نکته دیگر آیه این است که «الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ» از جهتی اطلاقی دارد. «الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ» گاهی ناظر به شخص و اشخاصی است. این آیه فقط در مورد غیبت نیست، بلکه صب، نفرین و نکات دیگر را نیز شامل می‌شود. گاهی نیز سخنان زشتی است ولی متوجه کسی و کسانی نمی‌شود. ممکن است این یک نفرین عمومی باشد یا اینکه حرف‌های زشتی را می‌زند بدون اینکه مخاطب خاصی داشته باشد. ظاهر آیه این است که شامل آن‌ها نیز می‌شود. اگر مخاطب خاصی نیز وجود نداشته باشد، شامل آن‌ها می‌شود. پس در طرف مستثنی منه اطلاقی کلی وجود دارد. چه مخاطب باشد و نباشد، این آیه شامل می‌شود.

بحث ما این است که آیا سوء من القول، مطلق تمام حرف‌های زشت است که بدون مخاطب عام است یا اینکه حرف‌های زشت ناظر به مخاطب خاص را دربر می‌گیرد؟ ظاهر اولیه آیه ناظر به خاص است. برای این مطلب دو دلیل می‌آوریم:

الف) «من ظلم» قرینه‌ای است که برای مخاطب خاص است.

ب) اطلاقی آیه بدون مخاطب، شمولی دارد که نمی‌توانیم به آن ملتزم بشویم.

اما برای هر دو دلیل، می‌توانیم اشکالی وارد کنیم:



شماره ثبت: ۲۵۲۱

«من ظلم» قرینتی ندارند. در دلیل دوم هم می‌گوییم ما اطلاق را قبول نمی‌کنیم اما فی‌الجمله قدر متیقن دلیل است.

نکته

لعن بر ظالم حرف سوء نیست. اما بیان کلمات قبیحه بدون مخاطب، حرف زشت است.

مبحث دهم: حکم «الّا من ظلم»

وقتی چیزی استثنا می‌شود، این نفی قاعده و حکم سابق است. حکم سابق در اینجا «لایحب» است. این استثنا نیز نفی حکم سابق را می‌کند. نفی در نفی نیز مثبت می‌شود. در نتیجه حکم می‌شود «یحب». منتها از «یحب» رجحان و وجوب استخراج نمی‌شود و تنها جواز استخراج می‌شود. زیرا «لایحب» حرمت نبود و مبعوضیت بود. در نتیجه استثناء مبعوضیت را برمی‌دارد و عدم المبعوضیت، جواز است. شاهد این مطلب نیز آیه بعد است که می‌فرماید: «إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا»^۱

از این مطالب نباید استفاده بشود که قول بد از سوی مظلوم، رجحان دارد. البته ممکن است در جاهایی رجحان داشته باشد ولی از این آیه، این مطلب استفاده نمی‌شود.

مبحث یازدهم: روایتی ذیل آیه

در ذیل این آیه روایت نامعتبری آمده است که آیه را بر امر دیگری تطبیق داده است. کسی که به مهمانی رفته است و صاحب‌خانه آن‌طور که شایسته است از او پذیرایی نکرده است. در نتیجه شخص می‌تواند از این صاحب‌خانه گلایه کند و عیب او را ابراز کند. این یک مشکل برای تمام فقها است. زیرا در مهمانی، طلبی برای مهمان وجود ندارد. آیه نمی‌تواند این را جایز بداند. برای حل مسئله راه‌هایی طی شده است:

الف) روایت ضعیف است و کنار گذاشته می‌شود.



شماره ثبت: ۲۵۲۱

ب) روایت شامل جایی است که عدم پذیرایی در حد توهین و اهانت است. این فراتر از پذیرایی متعارف است. مثل قضیه مسلم بن عقیل در کوفه.